



ایران در دوران معاصر

وزیر مقتدر امپراطوری سلجوقیان

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۳۰ تیر ۱۳۹۱ ۴۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

خواجه نظام الملک طوسی وزیر مقتدر امپراطوری سلجوقیان ابوعلی ملقب به نظام الملک مولف سیاست نامه (سیرالملوک) در یکی از قرای طوس بدنیا آمد. اجداد او اصلاً از خاک بیهق سبزوار بودند. وی در خدمت حاکم بلخ، ابو علی بن شادان به دبیری روزگار می‌گذراند و بعداً به دبیری ابو علی شادان در آمد. ابو علی شادان بعداً وی را به دبیری و صاحب دبیری امور الب ارسلان واداشت و از این تاریخ است که خواجه در سلک درباریان الب ارسلان در آمد و در تمام دوره ی سلطنت طغرل زیر دست او که امارت خراسان داشت، روزگار می‌گذراند. پ

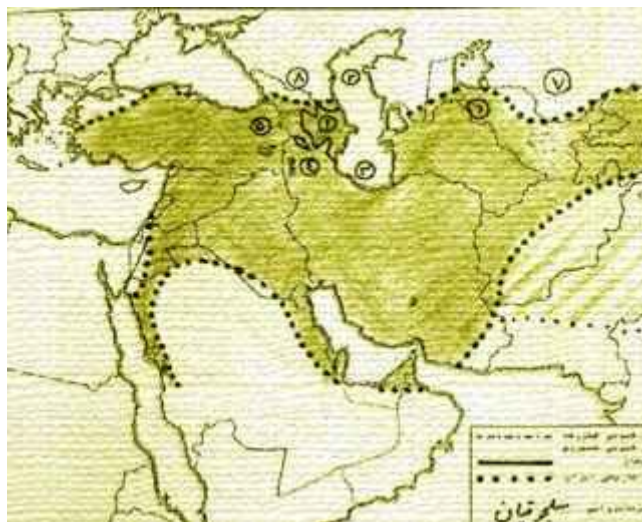


خواجه نظام الملک طوسی وزیر مقتدر امپراطوری سلجوقیان

ابوعلی ملقب به نظام الملک مولف سیاست نامه (سیرالملوک) در یکی از قرای طوس بدنیا آمد.

اجداد او اصلا از خاک بیهق سبزواری بودند. وی در خدمت حاکم بلخ، ابو علی بن شادان به دبیری روزگار می گذراند و بعد ها به وزیری ابو علی شادان در آمد. ابو علی شادان بعد ها وی را به دبیری و صاحب دبیری امور الب ارسلان واداشت و از این تاریخ است که خواجه در سلک درباریان الب ارسلان در آمد و در تمام دوره ی سلطنت طغرل زیر دست او که امارت خراسان داشت، روزگار می گذراند.

پس از آنکه الب ارسلان به پادشاهی رسید خواجه نظام الملک را به جای ابو نصر کندی به وزارت برداشت و خواجه تا زمان کشته شدن در وزارت الب ارسلان و ملکشاه با نهایت استقلال و اقتدار برجا بود. وی با سیاست و تدبیر قلمرو سلجوقیان را از حلب تا کاشغر گستراند.



در دوران سلجوقیان امپراطوری بزرگی شکل گرفت که سرحدات آن با سرحدات امپراطوران ساسانی در 6 یا 7 قرن پیش از خود برابری می کرد.

...

خواجه در طی بیست سال وزارت ملکشاه، قدرت بی چون و چرایی داشت. وی ولایات مختلف و نیز کارهای اداری مهم را به فرزندانش سپرده بود و طبعاً خود و فرزندانش در پرتو این وزارت به مال و منال فراوانی رسیده بودند. شگفت آن که کار فرزندان خواجه به جایی رسید که یک بار مؤید الملک حاضر به اطاعت از فرمان ملکشاه نیز در سپردن شغل مناسبی به یکی از دبیران معزول نشد و گفت: چون سوگند یاد کرده که به او کار ندهد، نمی تواند فرمان سلطان را اطاعت کند. این اقدام، خشم سلطان را برانگیخت و سبب عزل مؤید الملک شد.

به هر روی، موقعیت خواجه به طور طبیعی، حسد بسیاری را برانگیخت و سبب شد تا دشمنانش در دربار سلطان برای وی سعایت کنند. یکی از این افراد، تاج الملک از مردمان فارس بود که پس از خواجه به وزارت رسید. افزون بر آن، ترکان خاتون، همسر ملکشاه که می خواست پسرش محمود را به ولایت عهدی بگمارد، و خواجه با آن موافق نبود، سخت نزد سلطان از او بدگویی می کرد. در واقع، دربار ملکشاه، میانه ای با وزیر نداشت و این تنها قدرت و درایت خواجه بود که با وجود دشمنان فراوان، توانست بیست سال بر مسند وزارت تکیه بزند و حمایت سلطان را به همراه داشته باشد.

عاقبت این بدگویی ها در سلطان اثر کرد تا آن که «به نظام الملک پیغام داد که تو با من در ملک شریکی و بی

مشورت من هر تصرف که می خواهی می کنی و ولایت و اقطاع به فرزندان خود می دهی. ببینی که بفرمایم دستار از سرت بردارند. او جواب داد که، آنک ترا تاج داد، دستار بر سر من نهاد. هر دو درهم بسته اند و با هم پیوسته.»

این حکایت را به عبارتی دیگر هم نقل کرده اند: سلطان گفت: اگر می خواهی، بفرمایم که دوات از پیش تو برگیرند. وزیر پیغام داد: «دولت آن، به این دوات بسته است، هر گاه این دوات برداری، آن تاج بردارند.»

شگفت آن که، میان قتل نظام الملک و مرگ ملکشاه تنها سی و سه روز فاصله بود. البته تاریخ گواه آن است که اسماعیلیان آندو را به قتل رساندند.

ملکشاه در اواخر سلطنت خود از چند تن وزیران خواست که در باب کشور داری و رسوم پادشاهان گذشته از ال سلجوق، و نیک و بد امور جاری و کمبود ها بیندیشند و تاملات خود را روشن بنویسند و عرضه کنند تا پادشاه در انها تامل کند و نقایص را دریابد و کارها را به سامان کند... ملکشاه از میان آنها، نوشته خواجه نظام الملک را پسندید و او را به اتمام آن مامور ساخت. و کتابی شد به نام سیرالملوک یا سیاست نامه که مشتمل است بر مسائل حکومتی، سیاسی و اجتماعی دوره سلجوقیان.

یکی از توصیه‌هایی که به شاه زمان خودش می‌کند، این است: زنهار! مردی را دو کار مفرمایی؛ مردی و کاری. راست می‌گوید؛ یک مرد، یک کار.»

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «وزیر مقتدر امپراطوری سلجوقیان»، پارسیان دژ، ۱۳۹۱.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1177/pdf/وزیر-مقتدر-امپراطوری-سلجوقیان>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵